

Cultural Convergence and Redefining Common Identity in the Economic Cooperation Organization (ECO)

Hossein Rafie

Associate Professor, Department of Political Sciences, Faculty of Law and Political Science, University of Mazandaran, Babolsar, Iran

Gholam Abbas Hosseini¹

Ph.D. Student in International Relations, Faculty of Law & Political Science, University of Mazandaran, Babolsar, Iran

(Date received: 8 January 2023 - Date approved: 10 December 2023)

Abstract

Introduction: During many centuries humans realized the importance of co-existence and friendly interaction with their fellows for their survival against the surrounding dangers. It has long been believed that for peace and development, human societies must move towards integration and unity. In the last century, the first human attempts to create a regional union in Europe worked. The European Union was formed from the European Coal and Steel Organization. EU member states followed two important principles; one is peace and the other is a common identity with European roots. Although this union was economic in nature in the first step, but over the time, it was able to achieve its important goals and make Europe flourish in all areas. What the European Union has brought to the green continent is integration and common identity. After the successful experience of the European Union, other regions of the world were also encouraged to form regional organizations and unions. Since the formation of the European Union, regional organizations and associations have emerged one after another on every continent. ASEAN and SAARK in Asia, OAU and ECOWAS in Africa and MERCOSUR in South America were among the most important ones. Meanwhile, the Regional Cooperation for Development (RCD) was formed in the Middle East, which was dissolved in 1980 due to the revolution in

1. E-mail: g.hosseini04@umail.umz.ac.ir (Corresponding Author)

Iran. In 1985, the Economic Cooperation Organization (ECO) was established at the initiative of Iran with the cooperation of Pakistan and Turkey (the same RCD members).

Research question: “Why has the Economic Cooperation Organization (ECO) not yet become a successful union after four decades of activity?”

Research hypothesis: To become Union, ECO needs to create a common identity by analysing its roots, connections and cultural contexts.

Methodology and theoretical framework: To examine this hypothesis “Constructivism theory” has been chosen as the theoretical framework of the research. It will be a clear guide during the research. The method of this research is qualitative with a descriptive-analytical approach and based on a case study. The method of data collection is library and internet sources.

Results and discussion: About four decades have passed since the establishment of the Economic Cooperation Organization. During this time, this organization has gone through many changes. ECO started working with the initiative of Iran in 1985 with the aim of becoming an efficient economic organization in the Middle East. A goal that became more unattainable over time. When seven Central Asian countries joined ECO in 1991, many observers expected it to become a successful union. The addition of the newly independent countries of Central Asia made this organization able to take steps toward realizing its long-standing goals, but now, after three decades, ECO is still not where it should be. The geographical area where ECO was established is a reminder of the thousands of years of co-existence of the people of this region far from today's political borders. With the formation and expansion of ECO, suddenly after the passage of several centuries, there were many hopes to return to the glorious days of the brilliant civilizations of this land. ECO is the epitome of the powerful "Heartland" empires throughout history. The legacy of centuries of co-existence for ECO; It is a rich culture by which it can help its member states to facilitate integration.

Conclusion: The question of this research becomes important because by reviewing the experience of the formation of the European Union, we see that this organization, like ECO, it was initially a regional economic organization with the membership of several countries, which gradually became a strong organization and a powerful union. The European Union started the process of redefining a common regional identity. A “common culture” is what brings countries together in a regional organization. In order to find the answer to its question, this research has briefly investigated the background of the formation of ECO. By reviewing the history of the formation of ECO, it is clear that the identity of ECO has always been changing. According to integration theory of constructionism, identity is not a permanent subject and changes according to the conditions throughout history. The establishment of ECO Cultural Institute has been an important step in the direction of cultural convergence in this organization. However, one of the reasons why this organization could not achieve consensus, success and unbreakable bond and appear in the form of a union is the lack of real attention to its cultural points.

Undoubtedly, what causes the integration and unification of a group and the formation of a union will be addressing the issue of culture and its recognition. Culture is a “common heritage” of a region and a union. By exploring the common heritage of ECO member countries, one can take a step towards defining a common identity for this organization. Topics such as history, Nowruz, language, art, religion and the Silk Road are the six main legacies of ECO's identity. Each of these great legacies is an important artery in the direction of the formation of dynamic identity and meaning for the ECO organization.

Keywords: Constructivism, Regional Organization, Culture, Common Heritage, Integration, Common Identity, ECO.

همگرایی فرهنگی و بازتعریف هویت مشترک در سازمان

همکاری اقتصادی (اکو)

حسین رفیع

دانشیار، گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران

غلام‌عباس حسینی^۱

دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۱۸ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۱۹)

چکیده

اکو خاطره گم‌شده هزاران سال هم‌زیستی ساکنان «قلب زمین» است. با شکل‌گیری سازمان همکاری اقتصادی، امیدهای فراوانی برای احیای امپراتوری‌های پرشکوه این جغرافیا در طول تاریخ، زنده شد. توان نهفته اکو برای تبدیل شدن به یک سازمان منطقه‌ای بر کسی پوشیده نیست. اما پس از حدود چهار دهه فعالیت، اکو به جایگاه تعیین شده نرسیده است. اینکه «چرا سازمان همکاری اقتصادی (اکو) پس از چهار دهه، به اتحادیه‌ای قدرتمند تبدیل نشده است؟» پرسشی است که در این نوشتار در پی پاسخ به آن هستیم. در پاسخ، این فرضیه مطرح می‌شود که «اکو برای تبدیل شدن به یک اتحادیه به بازتعریف هویت مشترک با واکاوی در ریشه‌ها، پیوندها و زمینه‌های فرهنگی خود نیاز دارد». یافته‌های نویسندگان نشان می‌دهد که هویت، ثابت و یکنواخت نیست. هویت اولیه سازمان‌های منطقه‌ای با هدف‌های ویژه‌ای شکل می‌گیرند. با مرور زمان و در اثر تحولات محیط بین‌الملل یا تغییرهای منافع ملی و به دنبال آن سیاست خارجی کشورهای عضو، هویت سازمان‌ها و اتحادیه‌های منطقه‌ای تغییر می‌کند. بنیانگذاران اکو پیش‌تر با هدف‌های سیاسی و امنیتی، همکاری‌های منطقه‌ای را تجربه کرده‌بودند. کشورهای عضو در جریان تحولات ساختاری و نهادی همکاری‌های خود، هدف‌های اقتصادی را بیشتر مورد توجه قرار دادند. این سازمان توان زیادی در گسترش همکاری‌های فرهنگی دارد. در این نوشتار با کمک مفهوم فرهنگ، بازتعریف هویت مشترک اکو را بررسی می‌کنیم. نظریه برساخته‌گرایی به‌عنوان چارچوب نظری، هدایتگر روند این پژوهش است. روش این پژوهش کیفی با رویکرد توصیفی-تحلیلی و بر اساس مطالعه موردی است. شیوه گردآوری داده‌ها نیز کتابخانه‌ای و با استفاده از اینترنت است.

واژگان اصلی: برساخته‌گرایی، سازمان منطقه‌ای، فرهنگ، میراث مشترک، همگرایی، هویت مشترک، اکو.

۱. نویسنده مسئول: g.hosseini04@umail.umz.ac.ir

مقدمه

حدود چهار دهه از آغاز به کار سازمان همکاری اقتصادی (اکو) می‌گذرد. این سازمان فرازونشیب بسیاری را پشت سر گذاشته است. اکو با رؤیای تبدیل شدن به یک سازمان اقتصادی کارآمد در خاورمیانه با ابتکار ایران در سال ۱۹۸۵ آغاز به کار کرد. با پیوستن هفت کشور آسیای مرکزی به اکو، برخی از ناظران در انتظار شکل‌گیری اتحادیه‌ای قدرتمند بودند. اضافه شدن کشورهای نواستقلال آسیای مرکزی، توانایی بالقوه‌ای را به این سازمان داد تا دوباره برای برآورده کردن رؤیای دیرینش گام بردارد. اما اکنون در قرن بیست و یکم اکو در جایی نیست که انتظار می‌رفت.

گستره جغرافیایی که اکو بر آن بنیان نهاده شده است، یادآور هم‌زیستی دیرپای مردم این منطقه دور از مرکزهای سیاسی امروزی است. با شکل‌گیری و گسترش اکو، به یکباره پس از چند قرن امیدهای زیادی برای بازگشت به روزهای پرافتخار تمدن‌های این سرزمین جان گرفت. میراث قرن‌ها هم‌زیستی برای اکو، یک زمینه فرهنگی غنی است که به وسیله آن می‌تواند کشورهای عضو را به همگرایی برساند. اینکه چرا سازمان همکاری اقتصادی (اکو) پس از چهار دهه، هنوز تبدیل به اتحادیه‌ای قدرتمند نشده است، پرسش این نوشتار است. در پاسخ، این فرضیه مطرح می‌شود که «اکو برای تبدیل شدن به یک اتحادیه به تعریف هویتی مشترک با واکاوی در ریشه‌ها، پیوندها و زمینه‌های فرهنگی خود نیاز دارد». در این نوشتار با روش کیفی مطالعه موردی در چارچوب نظریهٔ برساخته‌گرایی و با بهره‌گیری از داده‌های کتابخانه‌ای، ابتدا پیشینه و روند تحول‌های هویتی اکو را بررسی می‌کنیم. سپس زمینه‌های همگرایی فرهنگی در بازتعریف هویت این سازمان را بررسی و تحلیل می‌کنیم.

پیشینه پژوهش

پژوهشگران بسیاری در مورد این سازمان مطلب نوشته‌اند. پومفرت (۱۹۹۷) در مقاله «سازمان همکاری اقتصادی، وضعیت فعلی و چشم‌انداز آینده»، این سازمان را با برشمردن ویژگی‌های اقتصادی آن معرفی می‌کند. کولایی (۱۹۹۷) در مقاله «بررسی زمینه‌های واگرایی و همگرایی در میان اعضای اکو»، زمینه‌های واگرایی و همگرایی اکو را بررسی کرده است. پیشداد (۲۰۰۴) در کتاب «همگرایی در اکو» کوشیده است زمینه‌های همگرایی در میان اعضای سازمان اکو را بررسی کند و عوامل واگرایی میان آنان را باز شناسد. کولایی و مؤدب (۲۰۰۹) در کتاب «سازمان همکاری اقتصادی (اکو)؛ دستاوردها و چشم‌اندازها» ریزبینانه اکو را بررسی کرده‌اند. دیدگاه اقتصادی و تجاری در این کتاب حاکم است، اما در بخش چهارم کتاب به همکاری‌های فرهنگی و اجتماعی اکو نیز اشاره شده است. امید و اصلانی اسلمرز (۲۰۰۹) در مقاله «درس‌های همگرایی اتحادیه اروپا برای اکو» تلاش کرده‌اند دغدغه‌های اکو با الهام از موفقیت نسبی اتحادیه اروپا را بررسی کنند. حاجی‌یوسفی، شهریار و الهامی (۲۰۱۲) در مقاله «نخبگان

و همگرایی منطقه‌ای در سازمان همکاری اقتصادی (اکو)، نقش نخبگان سیاسی منطقه‌ای در بهره‌برداری از فرصت‌ها و مقابله با چالش‌های اکو را بررسی کرده‌اند.

سیاهمردی و جاوید (۲۰۱۷) در مقاله «جهانی‌شدن، وابستگی متقابل و سازمان همکاری اقتصادی (اکو)»، معتقدند در جهت جهانی‌شدن، کشورها به‌شدت وابستگی‌های متقابلی در اقتصاد و صنعت به یکدیگر یافته‌اند. تکمیل همایون (۲۰۱۶) در مقاله «ایران و بازبینی تاریخی و فرهنگی کشورهای منطقه اکو» به تأثیر و اهمیت ایران در فرهنگ‌محورکردن هویت اکو می‌پردازد. نقوی (۲۰۱۶) در مقاله «زبان فارسی و ارتباط فرهنگی در منطقه اکو» و باستانی‌راد (۲۰۱۶) مقاله «زنجیره پایگاه‌های میان‌فرهنگی و میراث جهانی جاده ابریشم در کشورهای عضو سازمان اکو» را با هدف پردازش و کشف نمادهای فرهنگی مشترک اعضای اکو نوشته‌اند. افضل‌ی و انصاری (۲۰۱۷) در مقاله «چالش‌ها و فرصت‌های همگرایی منطقه‌ای اکو از دیدگاه نظریه کارکردگرایی» به این نتیجه رسیده‌اند که کارکردهای فضایی و جغرافیایی در ایجاد همگرایی، مهم‌ترین عامل نبود همگرایی منطقه‌ای در سازمان اکو بوده است.

مظاهری (۲۰۱۸) در کتاب «سازمان اکو و امنیت فرهنگی کشورهای عضو» به اهمیت امنیت فرهنگی و تأثیر آن بر عملکرد کشورهای عضو اکو پرداخته است. نجفقلی‌نژاد و حسن‌زاده (۲۰۱۸) در مقاله «عوامل تقویت‌کننده همکاری میان کتابخانه‌های ملی کشورهای عضو اکو» بر این باورند که با وجود منابع مشترک در کتابخانه‌های ملی کشورهای عضو اکو، می‌توان برای زمینه‌سازی هرچه بیشتر همگرایی اقدام کرد. مظاهری (۲۰۲۰) در مقاله «امنیت فرهنگی کشورهای عضو اکو»، نیز نقش‌آفرینی این سازمان را با درنظرداشتن امنیت فرهنگی بررسی می‌کند. الهامی و سجادی‌پور (۲۰۱۹) در مقاله «شکل‌گیری و توسعه سازمان‌های منطقه‌ای، مطالعه، سازمان‌های اقتصادی (اکو)» بر این باورند که ضعف در نهادهای سیاسی داخلی اعضا، ضعف در ساختار سازمانی و برخی ناکارآمدی سازمانی، موجب نداشتن کارایی مفید اکو شده است.

کوزه‌گر (۲۰۱۶) در مقاله «نقش و جایگاه حوزه‌های تمدنی و فرهنگی مشترک در مقابله با جریان‌های سنتی و نوین افراط‌گرایی در حوزه جغرافیایی اکو»، جریان‌های سنتی و فراسنتی افراط‌گرا در کشورهای منطقه اکو را بررسی کرده است. شکوهی و حاجی‌آبادی (۲۰۱۹) در مقاله «ناکامی اشتراکات ژئوپلیتیک و ژئوفرهنگی در همگرایی ایران و کشورهای آسیای مرکزی» به آسیب‌شناسی این نوع همگرایی پرداخته‌اند. آن‌ها در پی یافتن چرایی موفق‌نبودن همگرایی ایران با کشورهای آسیای مرکزی هستند. کاینک و رشید (۲۰۲۰) در مقاله «دسته‌بندی کشورهای عضو اکو بر اساس شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی آن‌ها با استفاده از روش تحلیل خوشه‌ای سلسله‌مراتبی» با استفاده از به‌روزترین نرم‌افزارهای آماری، کشورهای عضو اکو را از نظر شاخص‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی دسته‌بندی کرده‌اند.

رحمان و مشتاق (۲۰۲۰) در مقاله «تحریم‌های آمریکا علیه ایران و پیامدهای آن بر سازمان همکاری اقتصادی (اکو)» نتیجه گرفته‌اند که تحریم‌های آمریکا علیه ایران، عضو اصلی اکو، بر عملکرد اکو در حوزه‌های گوناگون فعالیت خود فاجعه‌بار بوده و یکی از دلایل مهم نبود همگرایی این سازمان به شمار می‌رود. مختاری هشی (۲۰۲۱) در مقاله «رقابت بین کشورهای عضو سازمان‌های منطقه‌ای؛ مطالعه موردی: سازمان همکاری اقتصادی (اکو)» به این نتیجه رسیده است که یکی از مهم‌ترین عوامل ناکارآمدی و موفق نبودن این سازمان رقابت در میان کشورهای عضو است.

بررسی این پژوهش‌ها تفاوت این نوشتار با دیگر پژوهش‌ها را مشخص می‌کند. در بیشتر پژوهش‌های انجام شده در حوزه فرهنگی اکو، تمرکز بر ایران است. در حالی این نوشتار نگاهی فرایرانی دارد و هدف نویسندگان کشف و گسترش ویژگی‌های فرهنگی مشترک همه اعضای اکو است. همچنین هدف پژوهش‌های دیگر از بررسی زمینه‌های فرهنگی اکو، فقط توصیف و تحلیل این زمینه‌ها بوده است، اما هدف ما از بررسی زمینه‌های فرهنگی اکو، دستیابی به تعریفی جامع در جهت بنیان‌نهادن هویتی نوین با تمرکز بر زمینه‌های فرهنگی مشترک میان کشورهای عضو برای این سازمان است. این نوشتار برخلاف دیگر آثار، با نگاهی چندبعدی و با برشمردن فرصت‌ها، چالش‌ها را نیز آشکار می‌سازد.

چارچوب نظری

تعریف‌ها

الف) فرهنگ^۱

فرهنگ مفهومی انتزاعی است و تعریف‌های فراوانی برای آن ارائه شده است. تعریف علی اکبر رشاد از فرهنگ، قابل تأمل است و از تعریف‌های دیگر منطقی‌تر به نظر می‌رسد. از نظر او فرهنگ عبارت است از «طیف گسترده‌ای از بینش‌ها، منش‌ها، کنش‌ها و کنش‌های سازوارشده انسان‌پی‌جامعه‌زاد هنجاروش‌دیرزی و معناپرداز و جهت‌بخش ذهن و زندگی آدمیان، که چونان طبیعت ثانوی و هویت جمعی طیفی از انسان‌ها در بازه زمانی و بستر زمینی معینی، صورت بسته باشد» (Rashad, 2013: 128).

ب) همگرایی^۲

در تعریفی کلی همگرایی را «فرایندی که در آن، جوامع از خواست و قدرت هدایت مستقل سیاست‌های مهم و اساسی خویش چشم می‌پوشند و تلاش می‌کنند به تصمیم‌های مشترک و هماهنگ دست یابند و تصمیم‌گیری را به نهادهای مرکزی تازه‌ای واگذار کنند» دانسته‌اند (Aghabakhshi and Afsharirad, 2010: 321). همچنین از میان تعریف‌های ارائه شده از سوی

1. Culture
2. Integration

اندیشمندان، این دو تعریف قابل تأمل است: تعریف ارنست هاس^۱ که: «همگرایی را فرایندی می‌داند که «بازیگران سیاسی در آن به‌سوی مرکزی جدید، وفاداری‌ها، فعالیت‌ها و انتظارهای خود را سامان می‌دهند» و تعریف لئون لیندبرگ^۲، همگرایی فرایندی است که «در آن، کشورها از قدرت هدایت مستقل سیاست خارجی و سیاست داخلی خود چشم می‌پوشند و می‌کوشند به تصمیم‌های مشترک دست یابند و تصمیم‌گیری را به نهادهای مرکزی جدیدی واگذار کنند» (Laursen, 2008: 4).

نظریه همگرایی منطقه‌ای^۳

از دهه ۱۹۵۰ به تدریج نظریه‌های تازه‌ای در روابط بین‌الملل پدیدار شد که دیدگاه سنتی تحلیل روابط بین‌الملل را زیر تأثیر قرار داد (Koolae, 2000: 27). تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل و به دنبال آن نظریه‌های همگرایی را می‌توان نتیجه دو رویداد مهم دانست: نخست، تحولات نظام بین‌الملل. از آنجا که پیدایی، رشد و پایان نظریه‌ها وابسته به رویدادهای جهان است، سیر تحولات قرن بیستم سبب تغییرهای بنیادی در نظریه‌های علم سیاست شد. پایان جنگ جهانی دوم، گروه‌بندی غرب و شرق، فروپاشی اتحاد شوروی، تک‌قطبی‌شدن نظام بین‌الملل، سبب تحولات بنیادین و ساختاری در نظریه‌های بین‌الملل شد. دوم، تحول‌های علمی و نظری روابط بین‌الملل. در قرن بیستم تکامل علم سرعت می‌گیرد، از این‌رو تعدد نظریه‌ها و به‌وجود آمدن مکتب‌های جدید را در روابط بین‌الملل شاهد هستیم. تحولات و مناظره‌هایی چون انقلاب رفتاری دهه ۱۹۶۰، مناظره میان‌پارادایمی دهه ۱۹۷۰، چرخش بازاندیشی دهه ۱۹۸۰، چرخش برساخته‌گرایی در دهه ۱۹۹۰، تأثیرهای شگرفی در تغییر رویه نظریه‌های روابط بین‌الملل داشته‌اند (Dehghani Firouzabadi, 2010: 107-108).

نخستین تجربه منطقه‌گرایی که یکی از موفق‌ترین در نوع خود نیز بوده، اتحادیه اروپا است. از این‌رو سال‌ها نظریه‌های همگرایی زیر تأثیر فرایند اتحاد اروپا بودند. آرام‌آرام فرایند منطقه‌گرایی در دیگر نقاط جهان نیز گسترش یافت. با گسترش منطقه‌گرایی و شکل‌گیری همگرایی‌ها، اتحادیه‌ها و سازمان‌های منطقه‌ای، اندیشمندان به این نتیجه رسیدند که نظریه‌های منطقه‌گرایی موجود با ویژگی‌های اروپامحور نمی‌توانند پاسخ‌گوی تجزیه و تحلیل و راهنمای راه، دیگر طرح‌های همگرایی‌های منطقه‌ای باشند.

منطقه‌گرایی^۴ یکی از مباحث مهم روابط بین‌الملل است. نظریه‌های خاص منطقه‌گرایی ریشه در نظریه‌های روابط بین‌الملل دارد. بنابراین همان‌طور که در روابط بین‌الملل با پرشماری مکتب‌ها و نظریه‌ها روبه‌رو هستیم، در منطقه‌گرایی نیز با نظریه‌های مختلفی روبه‌رو هستیم.

1. Ernst B. Haas
2. Leon Lindberg
3. Regional Integration Theory
4. Regionalism

پژوهشگران مطالعات منطقه‌ای تلاش کرده‌اند برای بررسی بهتر این نظریه‌ها، آنها را دسته‌بندی کنند. برای نمونه، بررسی نظریه‌های منطقه‌گرایی در نظریه‌های کلان روابط بین‌الملل «واقع‌گرایی^۱، لیبرالیسم^۲، رادیکالیسم^۳، برساخته‌گرایی^۴» (Omidi, 2009: 33). یا بررسی با دسته‌بندی چهارگانه «فدرال‌گرایان^۵، کارکردگرایان^۶، نوکارکردگرایان^۷، کثرت‌گرایان^۸» (Koolae, 2000: 29)، از تقسیم‌بندی‌های نظریه‌های منطقه‌گرایی است. نظریه‌های جدید منطقه‌گرایی شش تغییر مهم دارند: اروپازدایی، غیرسرزمینی‌شدن جغرافیا، معناگرایی، گسترش دامنه نظریه‌ها، تکثرگرایی دموکراتیک و پردازش نظریه‌های گلچینی (Dehghani Firouzabadi, 2010: 106). در میان نظریه‌های منطقه‌گرایی در دسته‌بندی‌های مختلف، نظریه برساخته‌گرایی در سال‌های اخیر جایگاه ویژه‌ای یافته است. این رهیافت با قرارگرفتن در میان عقلانیت‌گرایی و پسانوگرایی می‌کوشد کاستی‌های این دو رهیافت را در فهم سیاست‌های ملی و بین‌المللی پوشش دهد.

یکی از دلایل بقا و رشد این رهیافت، گذار از بحث‌های انتزاعی و فلسفی به بحث‌های عینی و جامعه‌شناختی بوده است. برساخته‌گرایی به‌جای درگیرشدن در مباحث فلسفی با دیگر رهیافت‌ها، با تکیه بر ویژگی‌های جامعه‌شناختی خود برای حل مسائل تلاش می‌کند. رهیافت برساخته‌گرایی، رهیافتی هویت‌محور است. این نظریه در پی کشف و گسترش عوامل شکل‌دهنده هویت مشترک در میان بازیگران داخلی و بین‌المللی برای شکل‌دهی همگرایی‌هاست. بنابراین هنجارها به‌عنوان شکل‌دهندگان معناها و هویت‌ها جایگاه مهمی در این رهیافت دارند. از دیدگاه تکوین‌گرایی هویت مقوله‌ای ثابت و از قبل موجود نیست. هویت با گذشت زمان تغییر می‌کند (Ghahremanpour Bonab, 2004: 301). با این دیدگاه می‌توان تغییر رویه اتحادیه‌ها از هدف و منافع اولیه که بر مبنای آن بنا نهاده شده‌اند، به رویه‌ها و دنبال‌کردن هدف‌ها و منافع دیگر را توضیح داد و بررسی کرد.

«نگاه برساخته‌گرایان به سازمان‌های بین‌المللی نگاهی فرهنگی است و براساس هویت و هنجارهای مختلف شکل می‌گیرد و هویت فقط سیاسی، اقتصادی و اجتماعی نیست» (Omidi, 2009: 45). بیشتر سازمان‌ها و اتحادیه‌های منطقه‌ای بر پایه یک یا دو بعد (سیاسی، نظامی، اقتصادی) شکل گرفته‌اند. همچنین برای بقای خود تلاش کرده‌اند به اصول و هدف‌هایی که تعریف کرده‌اند پایبند باشند. بقای سازمان‌ها و اتحادیه‌های منطقه‌ای بیش از

-
1. Realism
 2. Liberalism
 3. Radicalism
 4. Constructivism
 5. Federalists
 6. Functionalists
 7. Neo-functionalists
 8. pluralists

پیش بستگی به هنجارها و ویژگی‌های مشترک فرهنگی دارد. بی‌توجهی به پیوندهای فرهنگی و هویتی می‌تواند موجب گسست و شکست اتحادیه‌ها شود. دلیل برگزیدن نظریه «همگرایی منطقه‌ای» برای چارچوب نظری این نوشتار همان‌طور که مرور شد؛ تکیه بر برساخته‌گرایی و اصل را بر هویت و هنجارها قرار دادن آن است. از آنجا که هدف در این نوشتار نیز بازتعریف هویتی نوین با تکیه بر زمینه‌های همگرایی فرهنگی اکو است؛ این نظریه بهترین بستر و راهنما برای روشن کردن و رسیدن به این هدف است.

پیشینه و ریشه‌های شکل‌گیری اکو

در روند بازتعریف هویت مشترک برای اکو، بی‌تردید نیاز به جست‌وجوی تاریخچه شکل‌گیری این سازمان است. در نگاه نخست، پیشینه شکل‌گیری همکاری بنیانگذاران این سازمان، به سازمان همکاری عمران منطقه‌ای «آرسی‌دی» باز می‌گردد؛ ولی با دیدی گسترده‌تر و با اندکی آسان‌گیری می‌توان ریشه‌های شکل‌گیری این همکاری را به سال‌ها پیش از آن گسترش داد. در بررسی ابعاد مختلف پیشینه شکل‌گیری اکو می‌توان از دو نوع تقسیم‌بندی یکی بر مبنای «دوره تاریخی» و دیگری براساس «هدف شکل‌گیری» استفاده کرد. در این نوشتار برای بررسی دقیق‌تر از دسته‌بندی براساس هدف همکاری سه کشور بنیانگذار اکو استفاده می‌کنیم. براساس هدف همکاری ایران، پاکستان و ترکیه، سه دوره را می‌توان جدا کرد: دوره سیاسی و امنیتی، دوره اقتصادی و دوره فرهنگی.

الف) دوره سیاسی و امنیتی

۱. پیمان بغداد^۱

پس از ناکامی آمریکا در به‌سرانجام‌رساندن طرح سازمان دفاعی خاورمیانه، این کشور همه قوای خود را برای شکل‌دادن یک اتحادیه دیگر با محوریت ترکیه و عراق به‌کار گرفت. با موافقت دولت عراق، این پیمان در ۲۴ فوریه ۱۹۵۵ در بغداد امضا و نهایی شد. همچنین در ادامه، انگلستان، پاکستان و ایران نیز به این پیمان پیوستند. کودتای عبدالکریم قاسم در عراق سبب شد این کشور در ۲۵ مارس ۱۹۵۹ به‌طور رسمی از این پیمان خارج شود (Moradi and Khanipour, 2011:141). با خروج عراق، پرونده پیمان بغداد بسته شد و دیگر اعضا برای ادامه همکاری، سازوکار جدیدی در پیش گرفتند.

۲. سازمان پیمان مرکزی (سنتو)^۲

پس از خروج عراق از پیمان بغداد، مرکز این سازمان به آنکارا انتقال یافت. از آنجا که این سازمان از نظر جغرافیایی در میان ناتو در غرب و پیمان سیتو در شرق قرار داشت، به سازمان پیمان مرکزی (سنتو) تغییر نام داد. از سال ۱۹۶۰ که از تنش‌ها در جنگ سرد کمی کاسته شد و

1. Baghdad Pact
2. Central Treaty Organization "SENTO"

شوروی شروع به بهبود روابط خود با همسایگان کرد و اهمیت این پیمان کاهش یافت. با این حال سنتو تا سال ۱۹۷۶ دوام آورد. تا اینکه با خروج پاکستان به دلیل نارضایتی این کشور از دخالت نکردن سنتو در مسئله بنگلادش و خروج ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۹۷۹ فعالیتش پایان یافت (Javaid and Siahmardy, 2017: 28).

ب) اقتصادی

۱. سازمان همکاری عمران منطقه‌ای «آرسی‌دی»^۱

در ژوئیه ۱۹۶۴ به توصیه محمدرضا پهلوی، کنفرانس وزیران امور خارجه سه کشور در استانبول ترکیه برگزار شد. این نشست در بیانیه‌ای از شکل‌گیری سازمان همکاری عمران منطقه‌ای «آرسی‌دی» خبر داد (Taqvi Shawazi, 1996: 61). با بالاگرفتن جریان انقلاب اسلامی در ایران از آنجا که دبیرخانه این سازمان در تهران بود در سال‌های ۱۹۷۷ و ۱۹۷۸ فعالیت این سازمان کاهش یافت. سرانجام در سال ۱۹۸۰ به‌طور رسمی سازمان همکاری عمران منطقه‌ای منحل شد.

۲. سازمان همکاری اقتصادی (اکو)^۲

با وجود دیدگاه‌های منفی نسبت به عضویت و همکاری در سازمان‌های بین‌المللی در دوره آغازین انقلاب اسلامی، ایران رفته‌رفته با مشخص کردن چارچوب سیاست خارجی خود، به ایجاد یک سازمان منطقه‌ای تمایل نشان داد. ایران دیگر متکی به غرب و شرق نبود. مبنای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران «نه شرقی، نه غربی» بود. همین موضوع سبب شد تا زیربنای سازمانی را بنا نهاد که وابسته به هیچ گروه‌بندی و قدرتی نباشد. با توجه به سیاست حفظ روابط مثبت و گسترش آن با همسایگان، کشورهای مسلمان و جهان سوم، ایران پیشنهاد همکاری دوباره سه کشور را به ترکیه و پاکستان داد. پس از سه سال گفت‌وگو در سطح وزیران امور خارجه این سه کشور، سرانجام در ۲۹ ژانویه ۱۹۸۵، سازمان همکاری اقتصادی (اکو) به‌طور رسمی آغاز به کار کرد.

در سال‌های ۱۹۸۴ تا ۱۹۹۱ این سازمان تحرک قابل ملاحظه‌ای نداشت. با برگزاری نخستین نشست رهبران کشورهای عضو در فوریه ۱۹۹۲ در تهران اعضای جدیدی به سازمان همکاری اقتصادی (اکو) پیوستند و روح تازه‌ای به این سازمان دمیده شد. ترکمنستان، قزاقستان، ازبکستان، قرقیزستان، تاجیکستان، جمهوری آذربایجان و افغانستان، هفت کشوری بودند که پس از فروپاشی اتحاد شوروی و تحولات نظام بین‌الملل به عضویت اکو درآمدند (Koolae, 2000: 102). بنابر اساس‌نامه اکو، نظارت اکو برای دیگر سازمان‌ها، دولت‌ها و نهادهای منطقه‌ای و بین‌المللی آزاد است. از این رو دولت ترک قبرس از سال ۲۰۱۲، شورای

1. Regional Cooperation for Development (RCD)
2. Economic Cooperation Organization (ECO)

همکاری کشورهای ترک‌زبان از سال ۲۰۱۴ و منشور بین‌المللی انرژی از سال ۲۰۱۷ اعضای ناظر اکو هستند (ECO site, 2017).

با توجه به توان نهفته این سازمان و موقعیت ژئواستراتژیک آن، هنوز از جایگاه واقعی خود به‌عنوان یک اتحادیه منطقه‌ای کارآمد، بسیار دور است. اکو برای دسترسی به هدف‌هایش با موانع و چالش‌های ویژه‌ای روبه‌رو است. زیرساخت‌های ضعیف در حمل‌ونقل و ارتباطات، نبود دانش فنی، سیاست‌های ناهماهنگ کشورهای عضو و بی‌ثباتی سیاسی از مشکلات و چالش‌های بزرگ پیش روی اکو است (Mujahid and Ali, 2015: 14040). در بیشتر مواقع اکو از مدیریت و رفع این چالش ناتوان بوده است. به نظر می‌رسد سازمان همکاری اقتصادی، نیازمند برنامه‌ای ویژه برای روبه‌رو شدن با چالش‌های کنونی و آینده‌خویش است.

پ) فرهنگی

همان‌گونه که اشاره شد، انگیزه و هدف اصلی ایران، پاکستان و ترکیه از تشکیل اکو و سازمان‌های مشابه پیش از آن، امنیتی، سیاسی و اقتصادی بوده است. هرچند مدیران و کارشناسان این سازمان‌ها همواره از اهمیت ریشه‌های فرهنگی مشترک کشورهای عضو سخن گفته‌اند، اما نمی‌توان گفت پیوندهای فرهنگی از دلایل شکل‌گیری و همگرایی این سازمان‌ها بوده است. با آغاز فعالیت اکو به پیشگامی ایران و با اضافه‌شدن هفت کشور دیگر به آن، بیش از پیش اهمیت این سازمان منطقه‌ای برای اندیشمندان و فرهنگیان کشورهای عضو به‌ویژه ایران و ترکیه مشخص شد. پس از حدود یک دهه فعالیت اکو، سرانجام بر همگان آشکار شد که برای پیشبرد هدف‌ها و ایجاد بسترهای مناسب همگرایی بیشتر، این سازمان نیازمند تمرکز ویژه و ایجاد سازمانی جداگانه با محوریت فرهنگی است.

با افزایش توجه به پیوندهای فرهنگی اعضای اکو، پس از بررسی‌های مکرر از سوی شورای برنامه‌ریزی در نهایت در پنجمین نشست شورای وزیران اکو در ۲۳ ژانویه ۱۹۹۲ در عشق‌آباد ترکمنستان، منشور مؤسسه فرهنگی اکو تصویب شد. مؤسسه فرهنگی اکو براساس منشور از پیش تصویب شده‌اش، در ۱۵ مارس ۱۹۹۵ در اسلام‌آباد پاکستان توسط هشت کشور از ده عضو اکو (جز قرقیزستان و ازبکستان) تصویب شد و به‌طور رسمی آغاز به کار کرد. اصلاحات منشور در دهمین نشست شورای وزیران اکو در ۸ ژوئن ۲۰۰۰ تصویب شد. منشور این مؤسسه براساس ماده هشت آن، برای هر کشوری که آن را مطابق مقررات ملی خود به تصویب رساند، قابلیت اجرا خواهد داشت. همچنین مقرر شد که مقر این مؤسسه در تهران باشد (Omidi, 2009: 216).

با شکل‌گیری مؤسسه فرهنگی اکو، گام بزرگی در تقویت همکاری‌های فرهنگی متصل-کننده کشورهای عضو اکو برداشته شد. هرچند این مؤسسه اکنون، در سومین دهه تأسیس خود، آنچنان که باید به هدف اصلی‌اش «تحکیم نزدیکی‌های فرهنگی، پیوندهای معنوی و روابط دوستانه میان ملت‌های کشورهای عضو با روش‌های اجتماعی و فرهنگی به‌صورت

نظری و عملی (ECO Cultural Institute site, 2015) نرسیده است، اما فعالیت‌ها و طرح‌های خوبی را برای عملی شدن هدف خود اجرا کرده است. مهم این است که با تأسیس این مؤسسه، یکی از زمینه‌های مهم در سازمان اکو در جهت همگرایی و ارتقای این سازمان تقویت شده است.

کهن میراث مشترک

اگر افراد را به مثابه حاملان فرهنگ در نظر بگیریم؛ با توجه به گسترش رفت‌وآمدها روابط جهان امروز میان فرهنگی است و دیگر نمی‌توان آن را با مرزهای ملی تعریف کرد. در دو دهه اخیر میزان تعامل فرهنگی در جهان به‌طور چشمگیری افزایش یافته است. پیشرفت‌های فناوری در حوزه فضای مجازی، آسان‌شدن سفرهای بین‌المللی و برقراری صلح نسبی بین‌المللی را می‌توان از دلایل افزایش روابط فرهنگی برشمرد (Adler and Aycan, 2018: 312).

بررسی پیشینه شکل‌گیری اکو مشخص می‌سازد که هویت اکو در حال تغییر بوده است؛ این همان چیزی است که نظریه برساخته‌گرایی همگرایی می‌گوید. از دیدگاه این نظریه، هویت امری ثابت نیست و در طول تاریخ بر اساس شرایط دگرگون می‌شود. تأسیس مؤسسه فرهنگی اکو گام مهمی در جهت توجه به پیوندهای فرهنگی در این سازمان بوده است. با این حال یکی از دلایلی که این سازمان هنوز نتوانسته است به یک اجماع و پیوند استوار برسد و در اندازه یک اتحادیه پدیدار شود؛ بی‌توجهی به پردازش واقعی در نقاط و پیوندهای فرهنگی خود بوده است. بی‌تردید، آنچه سبب همگرایی و اتحاد یک گروه و سبب شکل‌گیری یک اتحاد خواهد شد؛ پرداختن به هنجارها، سنت‌ها، باورها و هر آنچه در تعریف فرهنگ بگنجد، خواهد بود. فرهنگ همان کهن میراث مشترک یک منطقه و یک اتحادیه است.

استقلال کشورهای آسیای مرکزی بهترین نتیجه فروپاشی اتحاد شوروی برای سازمان اکو بود. این کشورها پس از استقلال خیلی زود دریافتند برای رهایی از وابستگی به روسیه و دستیابی به راه‌های ارتباطی جهان، نیازمند عضویت در سازمان‌های منطقه‌ای هستند. اکو بهترین گزینه برای پاسخ این خواسته کشورهای تازه مستقل شده بود (Shokoohi and Hajiabadi 2019: 153). سه کشور بنیان‌گذار اکو، به‌ویژه ایران، به اهمیت این رویداد آگاه بودند و بلافاصله اقدام‌های مناسب را انجام دادند. برای نمونه، ایران از نخستین کشورهایی بود که این کشورها را به رسمیت شناخت (Rahimi and Simbar, 2022: 205).

تاریخ، نوروز، زبان، هنر، دین و جاده ابریشم شش کلان میراث هویت‌ساز اکو هستند. هر یک از این کلان میراث‌ها شریانی مهم در راستای شکل‌گیری هویتی پویا و مانا برای اتحادیه اکو هستند. بی‌تردید بررسی و کاوش در مورد هر یک از این کلان میراث‌ها به بررسی‌های

گسترده میدانی و کتابخانه‌ای نیاز دارد؛ که از مجال این پژوهش خارج است. با وجود این به‌طور خلاصه و با هدف روشن کردن مسیر هر یک را بررسی می‌کنیم.

شکل ۱: نقشه کشورهای عضو اکو



Source: ECO Cultural Institute, 2017

الف) تاریخ

بر اساس برخی شواهد تاریخی، قرن‌های طولانی آریایی‌ها مهم‌ترین ساکنان منطقه کنونی مجموعه کشورهای اکو بودند تا آنکه اقوام ترک‌تبار هم به این مناطق کوچ کردند و در آسیای مرکزی ساکن شدند. این مردمان در طول چند هزار سال سکونت در این جغرافیا، امپراتوری‌های بزرگی ایجاد کردند. با نگاه به گستره جغرافیایی ده کشور عضو اکو بلافاصله نقشه حکومت‌های باستانی مانند هخامنشیان، تورانیان، ساسانیان، اشکانیان و همچنین حکومت‌های پر قدرت بعد از اسلام همچون سامانیان، غزنویان و سلجوقیان به چشم می‌آید.

شکل ۲: نقشه قلمروی امپراتوری هخامنشیان



Source: IranPedia, 2018

از دیدگاه کتاب‌های تاریخی، منطقه کنونی اکو در روزگار باستان سرزمین آریایی‌ها بوده است. به گواهی کتاب شاهنامهٔ حکیم ابوالقاسم فردوسی، فریدون قلمروی فرمانروایی خود را میان سه پسرش تقسیم کرد. وی در این تقسیم‌بندی روم و خاور (غرب) را به سلم، ترک و چین (شرق) را به تور و ایران زمین (قلب جهان) را به ایرج واگذار می‌کند (Shiva, 2013: 39).

نخستین به سلم اندرون بنگرید	همه روم و خاور مر او را سزید...
دگر تور را داد توران زمین	ورا کرد سالار ترکان و چین...
از ایشان چو نوبت به ایرج رسید	مر او را پدر شاه ایران گزید...

این داستان در اوستا نیز نقل شده است. دهخدا محدودهٔ جغرافیایی سرزمین سلم را از شمال دریاچهٔ آرال تا رود ولگا معرفی می‌کند. همچنین توران را سرزمین ورارود می‌داند. آنچه از این روایت تاریخی قابل توجه و بااهمیت است؛ نشان‌دادن هم‌ریشگی مردمان شورهایی است که اکنون عضو اکو هستند. پژوهش در این مورد، نخستین گام در راه تعریف هویت مشترک است. نمونه‌های زیادی از هم‌خواهی‌های مردم این سرزمین‌ها وجود دارد که نشان می‌دهد آنان هیچ‌گاه هم‌ریشگی‌شان را فراموش نکرده‌اند. برای نمونه، در داستان خسرو پرویز، هرمز هنگام گریز خسرو پرویز از بهرام چوبینه به وی می‌گوید به‌جای پناه‌خواستن از تازیان از قیصر روم (که با تو از سوی سلم هم‌تبار است) پناه بجوی (Shiva, 2013: 38).

شکل ۳: نقشه قلمروی توران و ایران



Source: Vambery, 1843

ب) نوروز

در گاه‌شمار ایران باستان، روزها و شب‌های خاصی وجود داشت که همواره با آداب ویژه‌ای پاس داشته می‌شدند. فروردگان، مهرگان، سپندارمذگان، یلدا، سده، چهارشنبه‌سوری، نوروز و سیزده‌بدر از آیین‌ها و جشن‌های باستانی‌اند. از این میان شب یلدا، چهارشنبه‌سوری، نوروز و سیزده‌بدر کم‌وبیش ادامه دارند. در حال حاضر نوروز پررنگ‌ترین جشن باستانی این منطقه است که هر ساله در کشورهای زیادی گرامی داشته می‌شود. نوروز به‌عنوان میراث فرهنگی ناملموس یونسکو در سال ۲۰۰۹ با درخواست و مدیریت ایران و همکاری کشورهای جمهوری آذربایجان، هندوستان، قرقیزستان، پاکستان، ترکیه و ازبکستان ثبت شد. همچنین در سال ۲۰۱۴ پنج کشور افغانستان، عراق، قزاقستان، تاجیکستان و ترکمنستان نیز درخواست عضویت در پرونده مشترک جهانی نوروز را مطرح کردند و در آن عضو شدند (Hassanzadeh, 2016: 1). همان‌گونه که دیده می‌شود در این فهرست بیشتر کشورهای عضو اکو دیده می‌شوند. این خود مهم‌ترین دلیل ارزشمندی نوروز برای این زمینه‌های همگرایی در میان اعضای این سازمان است.

برگزاری نوروز در میان کشورهای پاسدار آن، تفاوت‌های اندک و شباهت‌های بسیار با هم دارد. برای نمونه، چهارشنبه‌سوری آیین استقبال از نوروز است که در کشور تاجیکستان با عنوان «آتش پُرک» در شب نخست سال نو برگزار می‌شود. در کشور افغانستان چهل شبانه‌روز جشن نوروز پاس داشته می‌شود که در این مدت هر چهارشنبه متعلق به زنان است

که به روضه شریف^۱ در مزار می‌روند و مردان حق ورود ندارند و به آن «چهارشنبه مراد» می‌گویند. در جمهوری آذربایجان نیز از چهارهفته مانده به نوروز، شب هر سه‌شنبه جشن چهارشنبه‌سوری می‌گیرند که این چهارشنبه‌ها به ترتیب نماد آب، آتش، باد و خاک خوانده می‌شوند. همچنین در این کشورها گستراندن سفرهٔ نوروزی نیز رواج دارد. در ایران هفت سین و هفت شین، در افغانستان هفت سین و هفت میوه، در تاجیکستان هفت سین و هفت شیرینی و در جمهوری آذربایجان نیز هفت‌سین سفرهٔ نوروزی هر کشور را تشکیل می‌دهد (Sazmand, 2014: 74).

امروزه نوروز مهم‌ترین پدیده در نمایش زنده‌بودن تمدن چند هزار سالهٔ این جغرافیا است. هر ساله جهان در نخستین روز آغاز سال خورشیدی توجه‌اش به قلب زمین جلب می‌شود که مردمانش با اتحاد و یک‌دستی آیین نیاکانشان را به‌جای می‌آورند. اکو نه‌تنها می‌تواند از نوروز به‌عنوان یکی از مهم‌ترین زمینه‌ها برای همگرایی بیش از پیش خود بهره‌برد، بلکه با توجه به ویژگی‌های خاصی که دارد می‌تواند به اتحادیهٔ بزرگ نوروز تبدیل شود.

پ) زبان

فارسی و ترکی زبان بیشتر کشورهای اکو است. اما این سازمان زبان انگلیسی را به‌عنوان زبان رسمی مذاکرات و قراردادهای برگزیده است (Omidi, 2009: 248). انتخاب زبان انگلیسی به‌عنوان زبان رسمی با این سیاست بوده است که در میان اعضا اختلاف و رنجشی به‌وجود نیاید. این تصمیم از نظر سیاسی تصمیمی منطقی است. با این حال انتظار می‌رود این سازمان بکوشد دست‌کم دو زبان پارسی و ترکی را که دست‌کم ۸۰ درصد جمعیت کشورهای عضو این سازمان با آن‌ها صحبت می‌کنند، زبان‌های رسمی خود در کنار زبان انگلیسی قرار دهد. حتی این کار به‌صورت نمادین هم راهکار مفیدی برای جذب و جلب توجه اعضای این سازمان خواهد بود. در نگاه نخست، زبان‌ها عامل جدایی گروه‌های انسانی از یکدیگر به‌نظر می‌رسند، همان‌طور که در منطقهٔ اکو گویا این‌گونه است. اما با کمی کاوش در ریشه‌ها و تاریخ درمی‌یابیم که در روزگاری نه‌چندان دور، زبان‌ها چنین گوناگونی‌هایی نداشتند و نیاکانمان زبانی مشترک داشته‌اند. در حال حاضر، زبان فارسی با زیرشاخه‌هایش و زبان ترکی با زیرشاخه‌هایش بیشترین گویشوران را در اکو دارند. هرچند زبان‌شناسان امروزه این دو زبان را از دو خانوادهٔ زبانی متفاوت می‌پندارند، برخی منابع و شواهد تاریخی نشان می‌دهند که این دو زبان هم‌ریشه‌اند (Sajjadieh, 1989: 27).

زبان باستانی تورانی یکی از شاخه‌های زبان فارسی بوده است. در شاهنامه و اوستا گفت‌وگو میان ایرانی‌ها و تورانی‌ها، فارسی و بدون ترجمه است. زبان ترکی دنبالهٔ همان زبان تورانی کهن است. هم‌سانی‌های فراوان ضمیرهای ترکی و فارسی نشان از هم‌تباری این دو

۱. بارگاهی در شهر مزارشریف افغانستان که به باور آن اهالی، مقبرهٔ حضرت علی(ع) است.

زبان دارند. گرسیوز، شیده، فرشید رود، منیژه، فرنگیس، ارجاسب، هومان نام‌های تورانیان و همه ایرانی هستند (Shiva, 2013: 40).

البته به نظر می‌رسد مسئله زبان در کشورهای آسیای مرکزی تبدیل به میدان رویایی با نفوذ فرهنگ روسی شده است. یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های اتحادبخشی شوروی در طول حیاتش، زبان روسی بود. با روی کار آمدن پوتین در روسیه، طرح بازآفرینی امپراتوری روسیه شروع شد. بنابراین کشورهای آسیای مرکزی، بار دیگر مورد توجه روسیه قرار گرفتند. روسیه در تمام این سال‌ها، کوشیده است با استفاده از قدرت و ظرفیت‌های زبانی و ادبی خویش بر گستره نفوذ و قدرت نرم خویش در این کشورها بیفزاید. اگر برای مقابله با این تهاجم، اقدامی به موقع و قاطع صورت نگیرد، با توجه به سلطه هفت دهه‌ای شوروی بر این کشورها و ریشه‌دواندن فرهنگ روسی در مناطق، روسیه فرصت زیادی برای موفقیت دارد (Koolae and Zanganeh, 2022: 976).

ت) هنر

هنر زبان مشترک انسان‌هاست. هنر زیبایی‌نهان ذات بشر را به نمایش می‌گذارد. هنر بشر را به سوی تمدن‌سازی برد. اکو بر گستره کهن‌ترین و باشکوه‌ترین تمدن‌های بشری بنیان نهاده شده است؛ از این رو میراث‌دار اصیل‌ترین هنرها است. سکایی‌ها^۱ در ایجاد هنر هخامنشی بی‌تأثیر نبودند. هنرهایی مانند سنگ‌تراشی، جواهرسازی، دوخت لباس و قالی‌بافی مادها و هخامنشی‌ها با سکایی‌ها شباهت زیادی دارد. گورها و آثار کشف‌شده و بناهای باقی‌مانده بیانگر اقتباس هنر این اقوام از یکدیگر است. شواهد تاریخی نشان می‌دهد که مادها هنر و فن سوارکاری و تیراندازی سکایی‌ها را نیز فراگرفته بودند. سکایی‌ها وقتی از ناحیه‌ای عبور می‌کردند یا با آن همسایه می‌شدند از هنرشان اقتباس می‌کردند و گاهی هنر آنان را زیر تأثیر قرار می‌دادند؛ بنابراین وسیله انتقال اصول هنری از نقطه‌ای به نقطه دیگر می‌شدند (Goli, 2020: 103-104).

وقتی به ابزارها و موسیقی، قصه‌ها و افسانه‌ها در شعرها و داستان‌ها، به مجسمه‌ها و مقبره‌ها و قلعه‌ها و کاخ‌ها، به نوع معماری شهرها و نام‌گذاری آن‌ها در کشورهای عضو اکو نگاه می‌کنیم، به موارد بسیار زیاد شبیه بهم برمی‌خوریم. چهارباغ تنها در اصفهان نیست، در هرات هم چهارباغ را می‌بینیم. مسجد گوهرشاد و مسجد جامع هرات هر دو یک معماری دارند. لباس بلوچ‌ها با لباس هزاره‌ها^۲ بسیار شباهت دارد. سازه دمبوره هزاره‌ها نمونه کمی بزرگ‌تر سه‌تار ایرانی است. هزاران نمونه مشابه دیگر را می‌توان شمرد که همه نشان از

۱. یکی از اقوام باستانی آسیای مرکزی که نژاد بیشتر آریایی داشتند.

۲. هزاره نام یکی از اقوام مهم و پرجمعیت افغانستان است که شیعه‌مذهب و بیشتر ساکن نواحی مرکزی کشورشان هستند.

هم‌ریشگی مردم در این جغرافیا دارد. صنایع دستی نیز از مهم‌ترین نموده‌های هنر در مجموعه کشورهای اکو است. هر کشوری و شاید بهتر است بگوییم هر شهر و شهرستانی در بیشتر این کشورها صنایع دستی خاص خود را دارند. این صنایع می‌تواند یکی از بهترین زمینه‌های سرمایه‌گذاری اقتصادی باشد. فقط کافی است شناسایی، پرورش و حمایت شوند. جای خالی جشنواره‌های هنری مشترک، بسیار دیده می‌شود، جشنواره‌هایی که می‌تواند هم جنبه هنری و هم اقتصادی داشته باشد.

بی‌تردید، همه هنرها از مجموعه هنرهای هفتگانه در تجلی فرهنگ این جغرافیا وجود دارد. اما نمی‌توان از نقش موثر و ارزش شعر در فرهنگ مردم قلب زمین، آسان گذشت. شعر یکی از پرکارترین هنرها در پاسداری از فرهنگ کهن این سرزمین است. خاقانی از شروان سراینده قصیده مشهور «ایوان مدائن» است؛ نظامی از گنجه، ایران را قلب جهان به‌شمار آورده است، سنایی از غزنه، جای حق‌گویی و حقیقت‌طلبی انسان را چه در جابلقا و چه در چابلسا (دو شهر تمثیلی به معنی مشرق و مغرب) دانسته است. اقبال لاهوری از پاکستان خطاب به جوانان عجم می‌گوید «آتشی در سینه دارم از نیاکان شما» و کمال خجندی از بلندی‌های خجند، همه به زبان فارسی اندیشه‌های خود را بیان کرده‌اند. نمونه بسیار شایسته آن مولانا جلال‌الدین محمد بلخی، از بلخ به‌پاخاست، در قونیه به شهرت جهانی رسید و در همان‌جا از دنیا رفت. اینک مولانا و هنرش به همه جهانیان تعلق دارد. چه او را بلخی، قونوی یا رومی بنامیم و چه او را مرید شمس تبریزی بخوانیم. او در اندیشه جهانیان نفوذ کرده، اثر گذاشته و از مفاخر مشترک فرهنگی کشورهای عضو اکو است (Takmil Homayoon, 2017: 72).

ث) دین

دین زرتشت با تأکید بر یگانگی و توحید زمینه‌ساز دین‌داری کهن ملت‌های اکو شد. آموزه‌های زرتشت برای پیروانش سراسر عشق و آرامش است. آموزه پندار نیک، گفتار نیک و کردار نیک، حاکی از تاریخ‌سازی و فرهنگ‌سازی برای خوگرفتن به ارزش‌های الهی و بنای مدنیته عالمانه بود. مردم این سرزمین با یکتاپرستی و خدای یگانه، بیگانه نبودند. با ورود دین اسلام نقطه عطف جدیدی در حیات و اندیشه معنوی این منطقه ایجاد شد (Nowrozi, 2016: 83).

با پیدایی اسلام در عربستان و گسترش آن به این جغرافیا، اندیشه و آیین جدیدی به این منطقه رسید که آرام‌آرام سبب همبستگی و یک‌دستی این مناطق شد. آموزه‌های اسلام تأکید بر هم‌دلی و برابری انسان‌ها و جوامع بشری دارد. نژاد و زبان در اسلام هرگز عامل برتری نبوده و نیست. برای نمونه، آیه ۱۰۳ سوره مبارکه آل عمران مصداق بارز این مطلب است: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا...»، «همه به ریسمان خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید...». اسلام این سرزمین‌ها را از چنددستگی دینی رهایی بخشید و شکاف‌های دینی را تا حد قابل توجهی از بین برد، که در طول سده‌های بعدی تحول یافت.

دین اسلام در منطقه اکو با تمام فرصت‌ها و توانمندی‌هایش بدون چالش هم نیست. حکومت کمونیستی شوروی در طول چندین دهه تسلط بر کشورهای آسیای مرکزی، برای میان‌بردن فرهنگ اصیل این مناطق تلاش‌های فراوانی کرد. از میان‌بردن دین اسلام از هدف‌های مهم شوروی در کشورهای آسیای مرکزی بود. به گونه‌ای که نسل رشدیافته در دوران حکومت کمونیستی شوروی، پس از استقلال می‌گویند تا حد زیادی با اسلام بیگانه‌اند (Liu, 2017: 120). جمهوری‌های نواستقلال از شوروی، به‌ویژه قرقیزستان و قزاقستان، زیر سلطه هفتاد ساله کمونیست، از فرهنگ و آموزه‌های اصیل اسلام دور شده بودند. هر چند از دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ یعنی پیش از فروپاشی اتحاد شوروی، این کشورها شاهد تلاش‌هایی برای بازگشت به اسلام بوده‌اند و این تلاش‌ها ادامه یافته است. با این حال این مسئله همواره از دغدغه‌های این سازمان بوده است (Koolae, 2000: 259).

ج) راه ابریشم^۱

فردیناند فون ریشتنهوفن^۲، جغرافی‌دان آلمانی، راه یا بهتر است بگوییم راه‌های ابریشم را پس از قرن‌ها فراموشی، در سال ۱۸۷۷ کشف کرد. از آن هنگام تاکنون، مطالعات فراوانی در مورد این میراث گرانبهای تاریخ انجام شده است. مشخص نیست که آغاز فعالیت این راه‌ها چه زمانی بوده است، اما پایان این راه در سال ۱۵۲۴ با تصمیم امپراتور مینگ، به دلیل مقابله با حمله‌های بربرها و البته از میان‌رفتن تدریجی اهمیت تجاری این راه‌ها، یعنی خارج‌شدن انحصار تجارت ابریشم از دست چینی‌ها و ناامن شدنشان، به دلیل نبود حکومت‌های مقتدر برای حفاظت از آن‌ها، رقم خورده است. برخی نیز کشف نیروی بخار و مورد توجه قرار گرفتن راه‌های دریایی به جای خشکی را مطرح کرده‌اند. راه‌های اصلی پنج مسیر بودند:

۱. «بزرگراه امپراتوری» در مناطق شانسی-گانسو چین؛ ۲. «جاده تیان‌شان جنوبی» در سین‌کیانگ چین امروزی؛ ۳. «شاه‌راه سلطنتی» در ورارود؛ ۴. «شاه‌راه خراسان» در شمال ایران و ۵. «بزرگراه قسطنطنیه» در آناتولی (Li, 2020: 19).

شاید بتوان گفت اصطلاح «جاده ابریشم» یکی از تجلی‌گاه‌های شفاف پیوندهای تاریخی در میان اعضای سازمان اکو است. راه ابریشم روزگاری مهم‌ترین شاه‌راه جهان و پیونددهنده آسیای شرقی به اروپا بود. از آنجا که سرشت و دلیل شکل‌گیری اکو اقتصادی است، راه ابریشم می‌تواند تعریف‌کننده این سرشت و نشان‌دهنده ریشه این سازمان از جهان باستان تاکنون باشد. منظور از احیای راه ابریشم، تنها بازآفرینی فیزیکی جاده‌های باستانی برای رفت‌وآمد و تجارت نیست. امروزه پیوندیافتن با شاه‌راه‌های بین‌المللی یکی از هدف‌های مهم هر کشوری است؛ همان‌طور که در چند دهه گذشته کشورهای اکو گام‌هایی در این زمینه

1. Silk Road
2. Ferdinand von Richthofen

برداشته‌اند. هم‌اکنون راه‌گذر حمل‌ونقل آسیا، قفقاز و اروپا با عنوان جاده ابریشم قرن بیست‌ویکم از طرح‌های مهم در اکو محسوب می‌شود. اکو با فرارگرفتن در میانه مسیر راه ابریشم جدید، با ایجاد جاده‌ها و خطوط راه‌آهن، آسیای شرقی را به اروپا متصل کرده است (Javaid and Siahmardy, 2017: 31). هدف اصلی از احیای راه ابریشم اجرای سیاست‌هایی است که می‌تواند زمینه را برای همگرایی و تبدیل اکو به اتحادیه‌ای کارآمد آماده کند. برای نمونه، اکو باید به سوی برداشتن محدودیت‌های مرزی گام بردارد. همان‌گونه که اتحادیه اروپا بر اساس توافق‌نامه شنگن، محدودیت‌های مرزی را برای شهروندان و مسافرانی که ویزای شنگن دارند، برداشته است. ایجاد بازار مشترک و به دنبال آن تعریف واحد پول مشترک نیز مانند اتحادیه اروپا، سبب رشد و تامین خودکفایی این سازمان خواهد شد.

یکی از درس‌های مهم جاده ابریشم برای پویایی این سازمان، تمرکز بر صنعت گردشگری است. برخی از کشورهای عضو اکو به دلیل مسلمان‌بودن، محدودیت‌هایی دارند که اولویت انتخاب مقصد از سوی گردشگران غیرمسلمان قرار نمی‌گیرند. حجاب، حرام‌بودن برخی خوراکی‌ها، محدودیت روابط فردی در اجتماع از دلایل مهم تأثیر دین بر رونق گردشگری در برخی از این کشورها است. بنابراین این کشورها باید برای گردشگری بر کشورهای عضو این سازمان و دیگر کشورهای مسلمان متمرکز شوند. به هر حال منطقه اکو با جمعیتی در حدود ۵۰۰ میلیون تن، توان شگفت‌آوری در تبادل گردشگر دارد (Chiappa and Others, 2018: 205). ترکیه پیشروترین عضو اکو در عرصه بهره‌گیری از داشته‌های خود در جذب گردشگر بوده است؛ به گونه‌ای که مهم‌ترین منبع درآمد این کشور را شکل داده است (Romina and Esfandyari, 2018: 350).

نتیجه

اکو توانایی زیادی برای تبدیل شدن به یک اتحادیه موفق را دارد. این سازمان برای دستیابی این موضوع نیاز به بازتعریف هویت خود دارد. اکو ملزم به بازنگری ریشه‌های فرهنگی، تاریخی و اجتماعی خود است. تأسیس مؤسسه فرهنگی اکو گام مهمی در این زمینه بوده است. این سازمان باید با همکاری این مؤسسه و تنظیم و تدوین نقشه راه برای رسیدن به هویت مشترک این منطقه اقدام کند. با رسیدن به یک هویت مشترک، هدف اصلی این سازمان که هدف‌های اقتصادی است نیز قابل دسترسی بیشتر خواهد بود. سازمان همکاری اقتصادی برای داشتن یک هویت مشترک و تبدیل شدن به یک اتحادیه موفق راه زیادی پیش رو دارد. کم‌کاری‌ها از سوی کشورهای عضو و گرایش برخی از این کشورها به قدرت‌های جهانی، همواره موانع بزرگی در پرداختن به بازتولید هویت مشترک برای این سازمان بوده است. بی‌تردید تا زمانی که کشورها به اهمیت شناختن توانمندی‌های خود روی نیاورند و به قدرت‌های نهانی خود آگاه نشوند، توانایی ایجاد تحول و گرفتن تصمیم‌های قاطع و مستقل

نخواهند داشت. بررسی و بازشناسی فرهنگ چیزی است که کشورهای عضو اکو برای خودآگاهی و تقویت آن نیاز دارند.

اکو تاکنون با تمرکز بر هویت اقتصادی فعالیت خویش را ادامه داده است. هرچند دستاوردهای مهمی در این مدت نداشته است. آشکار است که اکو نتوانسته است از توان نهفته خویش در تبدیل شدن به یک اتحادیه، مانند اتحادیه اروپا که ابتدا یک سازمان اقتصادی بود، بهره کافی را ببرد. فرهنگ به عنوان مهم ترین سرمایه در سازمان اکو، می تواند با تعریف هویتی مشترک، می تواند به این سازمان در راه تبدیل شدن به یک اتحادیه کمک کند. بازشناسی فرهنگی برای اکو فوری و اساسی است. کشورهای عضو این سازمان با به دست آوردن هویت مشترک، می توانند عامل های شکاف های واگرایی و موفق نبودن خود را شناسایی و ترمیم کنند. سازمان اکو با توجه به موقعیت جغرافیایی کم نظیر و همچنین سرشار بودن از ذخایر نفت و گاز، سازمانی قابل توجه و با اهمیت محسوب می شود. با تبدیل شدن این سازمان به یک اتحادیه، تاریخ جدیدی در این منطقه رقم خواهد خورد. تمام زمینه های همگرایی در قالب فرهنگ و در کهن میراث های شش گانه آماده است؛ آنچه نیاز است، اراده و خواست اعضای این سازمان در این زمینه است.

References

- Adler, Nancy J and Zeynep Aycan (2018), "Cross-Cultural Interaction: What We Know and What We Need to Know", **Annual Review of Organizational Psychology and Organizational Behavior**, Vol. 5, No.1, pp. 307-333, (doi:10.1146/annurev-orgpsych-032117-104528).
- Afzali, Rasoul and Ansari, Adel (2022), "Challenges and Opportunities of ECO Regional Integration: A Functionalist Approach", **Majlis and Rahbord**, Vol. 24, No. 90, pp. 337-358, https://nashr.majles.ir/article_212.html?lang=en (Accessed on: 29/12/2022). [in Persian].
- Aghabakhshi, Ali and Afsharirad, Mimou (2010), **A Dictionary of Political Science**, Tehran: Chapar [in Persian].
- Bastani Rad, Hassan (2018), "Silk Road's Chain of Inter-Cultural Bases and World Heritage in ECO Members", **Quarterly of Foreign Relations History**, Vol. 17, No. 66, pp. 169-184, (doi: 20.1001.1.17352010.1395.17.66.6.2) [in Persian].
- Chiappa and Others (2018), "Cultural and Religious Tourism Development in Iran: Prospects and Challenges", **An International Journal of Tourism and Hospitality Research**, Vol. 29, No. 2, pp. 204-214, (doi: 10.1080/13032917.2017.1414439).
- Dehghani Firouzabadi, Seyed Jalal (2010), "Changes in the Theories of Regionalism", **Central Eurasian Studies** Vol. 3, No. 1, pp. 99-116,

- https://jcep.ut.ac.ir/article_21155.html (Accessed on: 6/12/2022) [in Persian].
- Elhami, Amir Hossein and Sajjadpour, Mohammad Kazem (2019), "Formation and Evolution of Regional Organizations: Economic Cooperation Organization (ECO) (a case-study)", **Geopolitics Quarterly**, Vol. 15, No. 56, pp. 25-51, (doi: 20.1001.1.17354331.1398.15.56.2.9).
- Ghahremanpour Bonab, Rahman (2004), "Constructivism; From International Politics to Foreign Policy", **Strategic Studies Journal**, Vol. 7, No. 24, pp. 299-318, https://quarterly.risstudies.org/article_1026.html (Accessed on: 8/12/2022) [in Persian].
- Goli, Afsaneh (2020), "Analysis of the Role of the Scythians in the History of Ancient Iran", **Kharazmi Chronicle**, Vol. 32, No. 8, pp. 92-106. <https://ensani.ir/fa/article/450985> (Accessed on: 5/12/2022) [in Persian].
- Haj Yousefi, Amir Mohamad; Shahriar, Fatemeh and Elhami, Amir Hussein (2012), "Elites and Regional Integration in Economic Cooperation Organization (ECO)", **Central Eurasia Studies**, Vol. 5, No. 10, pp. 41-60, (doi: 10.22059/jcep.2012.25027) [in Persian].
- Hashi, Hossein Mokhtari (2021) "Interstate Rivalries within Regional Organizations Case study: Economic Cooperation Organization (ECO)", **Geopolitics Quarterly**, Vol. 16, No. 60, pp. 334-350. (doi: 20.1001.1.17354331.1399.16.60.15.7).
- Hassanzadeh, Mirrahmid (2016), "Why Nowruz was Registered Globally Again", Available at: <https://www.isna.ir/news/95091105812>, (Accessed on: 12/12/2022) [in Persian].
- Javaid, Umbreen and Siahmardy, Habibollah Javan (2020), "Globalization, Interdependence and Economic Cooperation Organization (ECO)", **South Asian Studies**, Vol. 32, No. 1, pp. 27-38, <http://journals.pu.edu.pk/journals/index.php/IJSAS/article/view/3086> (Accessed on: 2/12/2022)
- Kaynak, Selahattin and Rashid, Yalda (2020), "Clustering of ECO Member Countries According to their Socio-Economic Indicators by Hierarchical Clustering Method", **Hitit University Journal of Social Sciences Institute**, Vol. 13, No. 1, pp. 69-81, (doi: 10.17218.hititsosbil.713776)
- Koolae, Elaheh (1997), "Investigating the Areas of Divergence and Convergence Among ECO Members", **Journal of Middle East Studies**, Vol. 4, No. 3-4, pp. 93-140, https://www.cmess.sinaweb.net/article_152054.html (Accessed on: 20/12/2022) [in Persian].

- Koolae, Elaheh (2000), **ECO and Regional Integration**, Tehran: Middle East Center for Scientific Research and Strategic Studies [in Persian].
- Koolae, Elaheh and Moaddab Mohammad (2009), **Economic Cooperation Organization (ECO); Achievements and Prospect**, Tehran: University of Tehran Printing and Publishing Institute [in Persian].
- Koolae, Elaheh and Somayeh Zanganeh (2022), "Cultural and Social Integration in Central Eurasia", **Human Geography Research**, Vol. 54, No. 3, pp. 966-988, doi: 10.22059/jhgr.2021.314329.1008210 [in Persian].
- Kouzegar Kaleji, Vali (2018), "Common Civilization and Cultural Spheres in the Fight Against Traditional and Modern Extremism in ECO region", **Quarterly of Foreign Relations History**, Vol. 17, No. 66, pp. 151-168, (doi: 20.1001.1.17352010.1395.17.66.5.1) [in Persian].
- Laursen, Finn (2008), "Theory and Practice of Regional Integration", **Jean Monnet / Robert Schuman Paper Series**, Vol. 8, No. 3, pp. 1-22, <http://www.aei.pitt.edu/id/eprint/8219> (Accessed on: 26/12/2022).
- Li, Bozhong (2020), "The Termination of the Silk Road: A Study of the History of the Silk Road from a New Perspective", **Asian Review of World Histories**, Vol. 8, No. 1, pp. 7-23, (doi: 10.1163/22879811-12340061).
- Liu, Morgan Y (2011), "Central Asia in the Post-Cold War World", **Annual Review of Anthropology**, Vol. 40, No. 1, pp. 115-131, (doi:10.1146/annurev-anthro-081309-145906).
- Mazaheri, Mohamadmahdi (2018), **ECO Organization and Cultural Security of Member Countries**, Tehran: ECO Cultural Institute [in Persian].
- Mazaheri, Mohamadmahdi (2020), "Cultural Security of ECO Member Countries", **Scientific Quarterly of Intercultural Studies**, Vol. 14, No. 41, pp. 59-88, (doi: 20.1001.1.17358663.1398.14.41.3.7) [in Persian].
- Moradi, Masoud and Somaiah Khanipour (2011), "Baghdad Pact", **Journal of History of Foreign Relations**, Vol. 12, No. 45, pp. 139-159, (doi: 20.1001.1.17352010.1389.12.45.7.2) [in Persian].
- Mujahid, Noreen and Muhammad Ali (2015), "An Analytical Study of Economic Cooperation Organization (ECO): Challenges and Perspectives", **European Academic Research**, Vol. 2, No. 11, pp. 14031-14045, <https://euacademic.org/receivedArticle.aspx> (Accessed on: 18/12/2022).
- Najafaqoli Najafgholi Nejaad, Azam and Hassanzadeh, Mohammad (2014) "Factors Enhancing Cooperation Among National Libraries of the

- Economic Cooperation Organization (ECO) Member States”, **Librarianship and Information Organization Studies**, Vol. 25, No. 1, pp. 86-109, <https://www.sid.ir/paper/505965/fa> (Accessed on: 14/12/2022) [in Persian].
- Naqvi, Rashed (2015), “Persian Language and Cultural Communication in the ECO Region”, **Quarterly of Foreign Relations History**, Vol. 17, No. 66, pp. 43-48, https://www.hfrjournal.ir/issue_6310_8048.html (Accessed on: 9/12/2022) [in Persian].
- Nowrozi, Hossein (2016), “Cultural Diplomacy and Historical Innovation in the Spiritual Climate of ECO”, **Journal of History of Foreign Relations**, Vol. 17, No. 66, pp. 75-100, https://www.hfrjournal.ir/issue_6310_8048.html (Accessed on: 10/12/2022) [in Persian].
- Omidi, Ali (2009), **Regionalism in Asia a Look at ASEAN, SAARC and ECO Organizations**, Tehran: Ministry of Foreign Affairs, Printing and Publishing Center [in Persian].
- Omidi, Ali and Aslani Aslemarz, Abed (2009), “Lessons from EU Regional Integration for ECO”, **Journal of Planning and Budgeting**, Vol. 14, No. 2, pp. 3-38, (doi: 20.1001.1.22519092.1388.14.2.1.2) [in Persian].
- Pishdad, Saeed (2004), **Convergence in ECO Organization**, Tehran: Baz [in Persian].
- Pomfret, Richard (1997), “The Economic Cooperation Organization: Current Status and Future Prospects”, **Europe-Asia Studies**, Vol. 49, No. 4, pp. 657-667, (doi: 10.1080/09668139708412465).
- Rahimi, Omid and Simbar, Reza (2022), “Political Components Affecting Iran-Tajikistan Relations (2010-2020): Substrates for the Transition from Divergence to a Stable Convergence Process”, **Central Eurasia Studies**, Vol. 14, No. 2, pp. 201-224, (doi: 10.22059/jcep.2022.320801.449993) [in Persian].
- Rashad, Ali Akbar (2013), “Definition of culture”, **Seyyed Mohammad Khamenei Commemoration Conference**, Vol. 1, pp. 121-148, <https://rashad.ir> (Accessed on: 10/12/2022) [in Persian].
- Rehman, Abdur, and Mushtaq, Muhammad (2020) “US Sanctions on Iran: Implications for the Economic Cooperation Organization (ECO)”, **ASIAN Journal of International Peace & Security (AJIPS)**, Vol. 4, No. 1, pp. 96-108, Available at: <http://ajips.fairlips.org/index.php/ajips/article/view/2020-vol-04-us-sanctions-on-iran> (Accessed on: 10/12/2022).

- Romina, Ebrahim and Esfandyari, Abdolrahman (2018), "Patterning the Power Structure among ECO-Countries", **Central Eurasia Studies**, Vol. 11, No. 2, 339-359, (doi: 10.22059/jcep.2019.240264.449723) [in Persian].
- Sajjadih, Mohammad Ali (1989), **A Research on the Common Ancestry of Iranians and Turanians**, Tehran: Balkh publication [in Persian].
- Sazmand, Bahareh (2014), "Identity and Ritual Representations of Nowruz in the Countries of the Iranian Civilization", **National Studies Quarterly**, Vol. 59, No. 3, pp. 55-80, <https://www.sid.ir/paper/88892/fa> (Accessed on: 2/12/2022) [in Persian].
- Shiva, Omid (2013), "Turan and Turanians in Ferdowsi's Shahnameh", **Great Khorasan Research Journal**, Vol. 4, No. 12, pp. 37-45, (doi: 20.1001.1.22516131.1392.3.12.3.2) [in Persian].
- Shokoohi, Saeed and Hajiabadi, Morteza (2019), "Failure of Geopolitical and Geo-Cultural Commonalities to Integrate Iran and Central Asian Countries", **Geopolitics Quarterly**, Vol. 14, No. 4, pp. 149-164, (doi: 20.1001.1.17354331.1397.14.52.8.0).
- Takmil Homayoon, Nasser (2017) "Iran and Historical-Cultural Review of Countries in the ECO Region", **Journal of the History of Foreign Relations**, No. 66, pp. 68-74, https://www.hfrjournal.ir/issue_6310_8048.html (Accessed on: 9/12/2022) [in Persian].
- Taqvi Shawazi, Akbar (1996), "OPEC, ASEAN, SEATO, CENTO (Familiarization with International Organizations)", **Rushd Moalem Journal**, No. 117, pp. 58-61, Available at: <https://www.roshdmag.ir/fa/magazine2/issue/accordionarchive/1374/7/20> (Accessed on: 13/12/2022) [in Persian].
- "Acquaintance with ECO Cultural Institution, History" (2015), Available at: <https://www.ecieco.org/fa/introduction/history> (Accessed on: 2015/9/14).
- "Map of the Territory of Iran During the Achaemenid Period; Cyrus and Darius" (2018), Available at: <https://www.iran-pedia.org/w/images/a/ac/jpg> (Accessed on: 2022/9/18), [in Persian].
- "Supervisory Members of the Organization" (2017), Available at: https://www.eco.int/general_content/85362-Observers.html?t=General-content, (Accessed on: 2022/9/24).
- "The Map of Iran and Turan by Stieler" (1843), Available at: <http://www.vambery.mtak.hu/img/03-019.jpg> (Accessed on: 2022/9/29).